افشای تمایل نداشتن مدیران یوتیوب به مقابله با ویدئوهای نامناسب

تعدادی از کارمندان یوتیوب افشا کرده‌اند که مدیران این شبکه به اشتراک‌گذاری ویدئو، از سال‌ها قبل تمایلی به گزارش انتشار ویدئوهای نامناسب در این سایت نداشته‌اند. به گزارش مهر و به نقل از ورج، بنابر گفته‌های این کارمندان، مدیران ارشد این شرکت وابسته به گوگل توجهی به نگرانی‌ها و هشدارهای کارکنان خود در مورد استفاده فزاینده از یوتیوب برای بازنشر ویدئوهای مخرب نداشته‌اند. این ویدئوها حاوی اخبار جعلی، محتوای نژادپرستانه یا مروج افراطی‌گری، حامی تئوری‌های توطئه و ... بوده‌اند. استدلال مدیران ارشد یوتیوب این بوده که تمرکز روی این مشکل ممکن است موجب کاهش مشارکت کاربران و استفاده از یوتیوب شده و از درآمد این شرکت وابسته به گوگل بکاهد. مدیران یوتیوب حتی پیشنهاد برخی کارمندان این شرکت به منظور حذف ویدئوهای مذکور از زبانه ویدئوهای پیشنهادی کاربران را نیز نپذیرفته‌اند و استدلال آنها این بود که چنین اقدامی مانع رسیدن به هدف مشاهده ویدئوهای یوتیوب در هر روز به میزان یک میلیارد ساعت می‌شود.



اصرار مردم به گرفتن سلفی با هرچیزی، حالا به یک بحران در بلایای طبیعی تبدیل شده است

من و سلفی و سیل...



یگانه عصاری

رسانه

تب جدیدی نیست و جغرافیای خاصی هم ندارد؛ حالا در همه کشورها مردم سعی می‌کنند با زبانی تازه به نام عکس‌های سلفی با هم ارتباط برقرار و دیگران را از وضع فعلی خود مطلع کنند. سلفی شاید برایشان بهانه‌ای باشد تا خاطرات و اتفاقات خوب و بد روزانه‌شان به جای بیان شدن به تصویر کشیده شود و این رویه تا جایی ادامه پیدا کرد که عکس سلفی به معضلی در جهان تبدیل شد تا عده‌ای حتی جان خود را در این راه از دست بدهند و برخی روان‌شناسان از سلفی بیش از حد به عنوان یک بیماری مدرن نام ببرند. با این حال اما شاید در جهان کمتر کسی باشد که درست در لحظه اتفاق بحران‌های بزرگ که گاه به فاجعه منجر شده‌اند، گوشی خود را روی عکس سلفی تنظیم کند و با سیل سلفی بگیرد! اتفاقی که دوباره باعث شهرت هرچه بیشتر ایرانیان شد و ابعاد فاجعه سیل ایران را بزرگ‌تر کرد...

روزی روزگاری عکس!

سلفی گرفتن از منظر هنر عکاسی قطعا جذابیت‌هایی دارد و می‌توان استفاده از آن را در تاریخچه عکاسی نوعی ابتکار دانست. یعنی این ایده که عکاس خودش را سوژه عکس قرار دهد، موضوع درخور توجهی بود که این نوع عکس را به سرعت در جهان محبوب کرد. در روزگار امروز اما سلفی گرفتن تبدیل به یک نوع مد شده است و در یک شبکه اجتماعی مانند اینستاگرام بیش از ۲۵۰میلیون بار از هشتگ سلفی استفاده شده است. این مد البته تا جایی پیش رفت که حتی فردی مانند باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده استفاده از عکس سلفی را در دیدار با نخست‌وزیر ایتالیا به دیگر نوع عکس‌ها ارجح دانست! البته گویا در کشور ما لایک برای دیده شدن ارجح‌تر است و برخی از شخصیت‌های کشورمان برای بیشتر دیده شدن یا لایک بیشتر به اقدامات خاص در سلفی گرفتن نیز متوسل می‌شوند. از سلفی با موگرینی در مجلس تا سلفی با کودکی معلول که خانم بازیگر مشغول بوسیدن او بود و در همان زمان از خودش و او سلفی می‌گرفت!

یک عمل فراگیر

سلفی گرفتن امروز از دو جهت به یک عمل فراگیر تبدیل شده است. اول از این جهت که تعداد افرادی که سلفی می‌گیرند بسیار بالاست و این به خودی خود مشکلی ندارد، اما بحران در جایی ایجاد می‌شود که سلفی گرفتن تبدیل به نوعی اعتیاد می‌شود. نکته دوم این که سلفی در تمام لحظات و تجربه‌های زندگی بخشی از مردم حضور دارد. برای مثال می‌توان برای ثبت خاطره‌ای در یک سفر، یک مهمانی یا در طبیعت عکسی سلفی انداخت و این مساله یک روند عادی عکاسی است اما در جامعه ما دیگر وضعیت به این نحو نیست و هدف اصلی مردم سلفی گرفتن شده است! یعنی دیگر رفتن به طبیعت اصل داستان و سلفی گرفتن فرع آن محسوب نمی‌شود بلکه سلفی گرفتن هدف رفتن به طبیعت است! حال تمام هم و غم افراد گرفتن عکس سلفی و «شیر کردن» آن در اینستاگرام است. به این جهت می‌توان امروزه از سندرم سلفی و فرهنگ اینستاگرامی یا اینستاگرامیزه شدن فرهنگ سخن گفت که نوعی فاجعه تلقی می‌شود.

فاجعه عظیم ملی

اوج فاجعه انسانی و مساله‌ای به نام بحران در فرهنگ ما زمانی ایجاد می‌شود که واکنش جمعی به بسیاری از حوادث تلخ و شیرین، فاجعه و مصیبت، گرفتن عکس سلفی است. مساله‌ای که آن را کم هم نمی‌بینیم! از سلفی گرفتن با جنازه تا سلفی با سیل مهم‌ترین و غمبارترین اتفاقات این روزهایمان است. دختری که به همراه مادر و یکی از بستگان خود ویدئویی از خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند و با صدایی پر از غرور می‌گوید من و خانواده و سلفی با سیل... قبل‌ترها اما این مساله به نحو دیگری هم اتفاق افتاده بود. سلفی با پیکر آیت‌ا... هاشمی‌رفسنجانی را به‌یاد دارید؟ مساله‌ای که سر و صدای بسیاری در شبکه‌های اجتماعی به‌پا کرد و مورد نکوهش بسیار قرار گرفت یا سلفی با پیکر ناصر ملک‌مطیعی بازیگر سینمای ایران که صدای بسیاری را درآورد. حالا اما ماجرای سلفی با سیل هم هیچ توجیهی ندارد چون لایک خورش بالاست! حالا افراد حتی شخصیت‌های بزرگی را در حال سلفی گرفتن با بحران می‌بینند و کسی نمی‌پرسد چرا؟ مردمی که با فردی در حال جان کندن، نزاع خیابانی، زورگیری و قتل و اعدام سلفی دارند و دیگر هیچ کس چرایی نمی‌گوید!

من و سلفی و سیل

هرچند سیل در ایران بسیاری از مردم را غمگین کرد، با نگاهی با تصاویری که از این حوادث در فضای مجازی به اشتراک گذاشته می‌شود می‌توان مشاهده کرد برای برخی این موضوع آنچنان هم تاسفبار نیست. نمونه بارز این مساله، خبر تلخی است که معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی چهار محال و بختیاری اعلام کرد. «علاقه بیش از حد سه نفر به گرفتن عکس سلفی با سیل در رودخانه کره بس، جان سه نفر را گرفت.» این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که بارها و بارها در شبکه‌های اجتماعی، صدا و سیما، خبرگزاری‌ها و ... تاکید شد که حتی حضور مردم در خیابان‌ها هم خطرناک است اما با این وضعیت، کم نبودند جماعتی که با حضور پای رودخانه‌ها و حتی در چند قدمی سیل، سلفی‌های فراوانی به یادگار گرفتند و برخی بدون ملاحظه تمام آنها را در اینستاگرام خود به اشتراک گذاشتند! افرادی که تصور می‌کردند لایک‌هایی که دریافت می‌کنند ارزش این ریسک کردن را دارد اما حداقل خانواده همین سه نفر حالا عزادارشان هستند.

ما از شما می‌ترسیم!

این کامنت را یک نفر پای عکس سلفی با یکی از سلفی‌گیران گذاشته است. طنز تلخی که حالا یکی از واقعی‌ترین بحران‌های جامعه است. «چگونه یک ایرانی را بشناسیم؟ هر وقت فردی را دیدید که در بحرانی‌ترین شرایط ذره‌ای برای جانش ارزش قائل نیست و در حال سلفی گرفتن و ضبط ویدئوست بدون شک او یک ایرانی است» این کامنت شاید طنز تلخی باشد اما ما واقعا از شما می‌ترسیم! جماعتی به قول روان‌شناسان بدون عزت‌نفس، که از جان خود هم نمی‌ترسند و با موتور روی سیل ویراژ می‌دهد، ترسناک هستند. افرادی که با یک پیکر بی‌جان، با صحنه اعدام، با تصادف و سیل و ... سلفی دارند، دیگر چیزی برای ترسیدن ندارند و به فردی تبدیل می‌شوند که احساسات درونی‌اش کشته شده پس می‌توانند با هر صحنه غمباری عکس بگیرند و با افتخار تمام آن را با دیگران به اشتراک بگذارند. چیزی که ما آن را وقاحت می‌نامیم!

> اوج فاجعه انسانی و مساله‌ای به نام بحران در فرهنگ ما زمانی ایجاد می‌شود که واکنش جمعی به بسیاری از حوادث تلخ و شیرین، فاجعه و مصیبت، گرفتن عکس سلفی است. مساله‌ای که آن را کم هم نمی‌بینیم! از سلفی گرفتن با جنازه تا سلفی با سیل، مهم‌ترین و غمبارترین اتفاقات این روزهایمان است

دکه

سیل روزنامه‌ها را برد!

سیل مهمان سرزده سال ۹۸ بود. سیلی که بی‌دعوت پا به خانه ایرانی‌ها گذاشت و نوروز را به کامشان تلخ کرد. گلستان، فارس، لرستان و خوزستان استان‌هایی بودند که آب رفتند. تعطیلات نوروزی و به دنبال آن تعطیلی مطبوعات سبب شد روز ۱۷ فروردین رسانه‌های مکتوب کاغذی صفحه اول خود را به این بلا اختصاص دهند.

روز شنبه کمتر روزنامه‌ای را می‌توانستید روی دکه مطبوعاتی‌ها ببینید که حرف از سیل و ابعاد آن نزده باشد. هرچند این پرسش وجود دارد که بعد از گذشت ۱۷ روز از وقوع یک اتفاق که مردم از تمام چند و چون آن با خبر شده‌اند چه میزان اهمیت دارد که باید اساتید فن به این پرسش پاسخ بگویند.

روزنامه‌هایی نظیر سازندگی، خراسان، سیاست روز، مردم‌سالاری و شرق با ترکیب کردن کلماتی که حرف «سین» داشتند در واقع با استفاده از صنعت واج‌آرایی سعی کرده بودند علاوه بر این که از سیل حرف می‌زنند جذابیتی به تیتر خود بدهند. هرچند در این بین روزنامه‌هایی مانند مردم‌سالاری و سیاست روز با استفاده از ترکیب «سین هشتم» تیترزده بودند، ولی خب تلاشی برای پرهیز از تیترهای مرسوم خبری بود.



روزنامه‌ای مانند «هفت صبح» هم تلاش کرده بود تصویری امیدبخش را با استفاده از عکس یک و تیتر خود به مخاطب القا کند که در نوع خود متمایز محسوب می‌شد.

البته در این بین روزنامه‌هایی مانند اطلاعات، جمهوری اسلامی و... هم بودند که همچنان همان رویه سنتی خود را پیش گرفته بودند و تیتری خبری را برای واقعه‌ای که از وقوع آن بیش از ۱۵ روز می‌گذرد انتخاب کرده بودند. حتی برخلاف انتظار روزنامه کیهان که روزنامه سنتی محسوب می‌شود در تیتر خلاقیت به خرج داد و خود را از کنار دیگر همتایان خود جدا کرد و در کنار روزنامه‌های نسل جدید قرار گرفت.

روزنامه‌ای مانند جوان با استفاده از واژگان مرتبط و هم‌خانواده با سیل تلاش کرده بود که جنبه مثبت این ماجرا را نشان دهد و کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان را برجسته کند.



روزنامه فرهیختگان که ارگان مکتوب دانشگاه آزاد است در زیرتیتر خود به اقدامات دانشگاه آزاد برای کمک به سیل‌زدگان اشاره کرده بود و البته تیتر یک خود را متناسب با یکی از موضوعات حاشیه‌ای در سیل گلستان انتخاب کرده بود که انتخاب هوشمندانه‌ای بود، ولی خب زیرتیتر این رسانه سویه پررنگ حمایتی داشت.



روزنامه همشهری نیز از آن دسته روزنامه‌هایی بود که به ماجرای همبستگی ملی در سیل اشاره کرده بود و تیتر مناسبی برای این موضوع زده بود. «بلایی که مردم را ملت کرد» و این تیتر معانی بسیاری در خود داشت که در خور توجه بود.

در این بین روزنامه‌ای مانند رسالت شاید در زمره معدود روزنامه‌هایی بود که حرفی از سیل را تیتر یک نکرده بود و به پیام نوروزی رهبر انقلاب پرداخته بود و آن را به عنوان تیتر یک خود برگزیده بود.

هشتگ

هشتگ‌های سیل‌آسا



سیل، پرکاربردترین هشتگ این روزهای شبکه اجتماعی فارسی‌زبانان است. محال است، این را با قاطعیت و یقین می‌گوییم، محال است هرکدام از شبکه اجتماعی را باز کنید و تصویری از سیل یا مطلبی در جهت کمک به سیل‌زدگان و... نبینید. اصلا سیل، مطالب مرتبط با آن و آبگرفتگی و... آن‌قدر زیاد است که شبکه‌های اجتماعی در محاصره سیل قرار گرفته است.

این که رسانه‌های شخصی در هرکدام از بسترها به محیطی برای اطلاع‌رسانی تبدیل شده امر مثبت و امیدوارکننده‌ای است، ولی از دیگر سو، زمینه رشد اخبار و تحلیل‌های ضدونقیض را نیز فراهم کرده و اگر از آن سو که مثبت است از این سو که کم هم نیست منفی است. در واقع هرکس که حسابی در یکی از شبکه‌های اجتماعی دارد به یک تحلیلگر موقعیت فعلی تبدیل شده و کافی است قبل از نوشتن تحلیل، پول برقش هم زیاد آمده باشد آن‌وقت است که زمین و زمان را به هم می‌دوزد تا بتواند نشان دهد سیستم ناکارآمد است. به همین دلیل در مواجهه با هشتگ‌های سیل‌آسا باید دقت کرد و به‌راحتی هر درخواست کمک یا هرتحلیلی را نپذیرفت و اندکی تامل کرد. در واقع روحیه‌ای که باید در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی داشته باشیم، «تفکر نقادانه» است!

پست منتخب

جهادگران فوج‌فوج آمدند

جواد موگویی، پژوهشگر حوزه تاریخ که این روزها به لرستان رفته در صفحه خود در اینستاگرام روزنوشت‌های خود را از این سفر می‌نویسد و مشاهداتش را برای کاربران این شبکه اجتماعی به اشتراک می‌گذارد. او در روز پنجم سفرش نوشته: «امروز حالم خوب است!

فوج فوج بچه‌های جهادی وارد شهر شدند!

زلزله حاج‌حسین یکتا آغاز شد!

پاکسازی خانه به خانه شروع شده. بچه‌های ارتش هم دست به بیل شدند. سرهنگ ناجا هم. امروز چندبار بغضم گرفت.

پابکت‌ها خاموش نمی‌شوند.

اما مگر پاکسازی ۴۰۰۰ خانه در گِل، تمام می‌شود؟!

شهر یکدست نظامی است. یاد فیلم چ افتادم!

تدبیرهای چمران، غیرت شهید تیمسار فلاحی و انقلابی‌گری شهید اصغروصالی در مقابل بی‌کفایتی دولت بازرگان!

شهر هنوز آب ندارد! گاز ندارد!

اما نت خوب است. اولین بار برای انتشار مطلبم از شهر بیرون نرفتم. اما من هنوز مشکل چای دارم!

مامور برق می‌گفت با گل‌روبی خانه‌ها خطر برق گرفتگی جدی است.



خدا کند چیزی نشود...

هواشناسی گفت باران خواهد آمد. مردم استرس گرفتند. ما هم.

هلال احمر برای مناطقی از شهر دفترچه اقلام پخش کرد. احتمالا از فردا کار توزیع راحت‌تر می‌شود. بعد از غارت هشت تریلی هلال احمر، خبر آرامبخشی بود. حالا تازه آرام آرام همه‌مان به فکر روستاها افتادیم. هیچ کس آماری ندارد!

هیچ کس!

راه‌هایشان اکثرا یا بسته است، یا نهایتا قایق رو!

فقط بالگردهای ارتش مختصر اقلامی را از آسمان برایشان پرت می‌کنند! ولی مگر چقدر است؟!

برخی روستاها بالای هزار نفر جمعیت دارند!

خدایا کمک کن...»

گوگل‌پلاس برای همیشه تعطیل شد

زمان تعطیل شدن گوگل‌پلاس بالاخره فرارسید.

گوگل پلاس از ۱۳ فروردین فرآیند حذف اکانت‌های خود را آغاز کرده و در واقع حالا دیگر چیزی به نام شبکه اجتماعی گوگل‌پلاس وجود ندارد.

هم اکنون دیگر کاربران قادر به ورود به گوگل‌پلاس نیستند و به جای آن صفحه‌ای در مورد تعطیلی این شبکه نوشته شده است.

گوگل قبلا اعلام کرده بود که فروردین‌ماه این شبکه را تعطیل می‌کند.

کاهش استفاده از این شبکه اجتماعی در مقایسه با رقبایی چون فیسبوک و توییتر این تجربه گوگل در این عرصه را ناموفق کرد.

به رغم رشد اولیه و استفاده میلیون‌ها کاربر از آن (که عمدتا به دلیل تمهید گوگل در اضافه کردن کاربران جیمیل به این شبکه رخ داد) و با وجود بهره‌مند بودن از قابلیت‌های تکنیکی، این شبکه هیچ‌گاه نتوانست در رقابت با شبکه‌های اجتماعی موفق باشد.

در روزهای نخست رشد این شبکه، گوگل حتی کاربران را برای گذاشتن کامنت در سایر سرویس‌ها (مثل یوتیوب) به ایجاد حساب کاربری در گوگل پلاس مجبور می‌کرد. اما همه این اجبارها باعث استفاده از این شبکه نشد.

مهر امسال گوگل پلاس به دنبال یک نفوذ به این شبکه اعلام کرد که قصد تعطیلی آن را دارد.

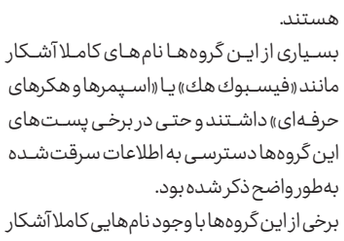
به گفته گوگل این نفوذ طی سه سال گذشته ادامه داشته و شامل اطلاعات ۵۰۰ هزار کاربر می‌شد، هرچند گوگل اعلام کرد که مدرکی دال بر سوءاستفاده از اطلاعات کاربران در دست ندارد.

در آبان سال گذشته هم دوباره از نفوذ و نشت اطلاعات کاربران خبر جدیدی منتشر شد؛ چیزی که باعث سرعت دادن به پایان عمر این شبکه منجر شد.

این امکان وجود دارد که اطلاعات خود را از گوگل پلاس دانلود کنید. گوگل این امکان را فراهم کرده که کل اطلاعات موجود روی گوگل‌پلاس را به صورت فایل زیپ دانلود کنید. همچنین می‌توانید بعد از دانلود اطلاعات خود اکانت گوگل‌پلاس خود را حذف کنید.

خبر

کشف ۷۴ گروه مجرمانه سایبری در فیسبوک



طی یک پژوهش امنیتی، ۷۴ گروه در فیسبوک کشف شده که اطلاعات سرقت شده را می‌فروشند. این گروه‌ها که حدود ۳۸۵ هزار عضو داشته‌اند در فضای فیسبوک فعالیت‌های مجرمانه خود را انجام می‌داده‌اند.

به گزارش مهر و به نقل از دیلی‌میل، گزارش جدید حاکی از کشمکش ادامه‌دار فیسبوک با مبارزه با محتوای مجرمانه سایبری در پلتفرم خود دارد.

محققان امنیت سایبری Talos Intelligence Group، در پژوهش‌های خود ۷۴ گروه فیسبوک را کشف کرده‌اند که اطلاعات کارت‌های اعتباری، اطلاعات هویتی (مانند گواهینامه) و کیت‌های فیشینگ ایمیل را خرید و فروش می‌کنند. جالب آن‌که این گروه‌ها حدود ۳۸۵ هزار عضو دارند. به گفته محققان، یافتن این گروه‌های فیسبوکی کار چندان سختی نبود زیرا آنها در فضای باز این شبکه اجتماعی مشغول فعالیت هستند.

بسیاری از این گروه‌ها نام‌های کاملا آشکار مانند «فیسبوک هک» یا «اسپمرها و هکرهای حرفه‌ای» داشتند و حتی در برخی پست‌های این گروه‌ها دسترسی به اطلاعات سرقت‌شده به‌طور واضح ذکر شده بود.

برخی از این گروه‌ها با وجود نام‌هایی کاملا آشکار به مدت هشت سال است که در فیسبوک فعالیت می‌کنند. البته از زمان کشف ۷۴ گروه مذکور، فیسبوک آنها را ردیابی و حذف کرده است. با وجود این هر روز گروه‌های مجرمانه جدیدی فعالیت خود در فیسبوک را آغاز می‌کنند.